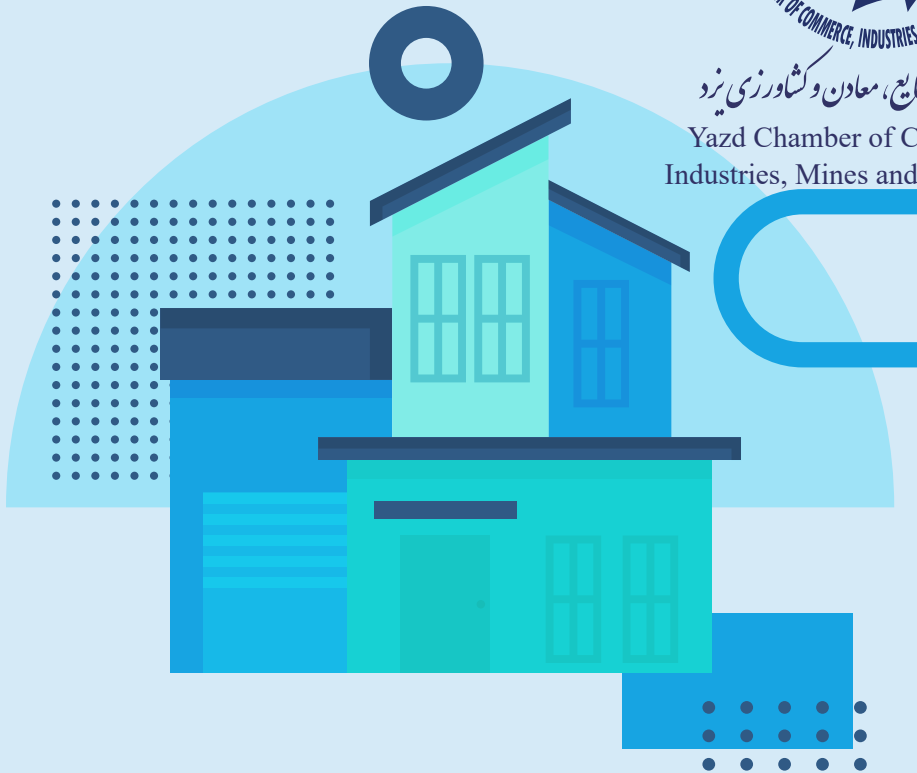




اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی یزد
Yazd Chamber of Commerce,
Industries, Mines and Agriculture



گزارش سیاسی

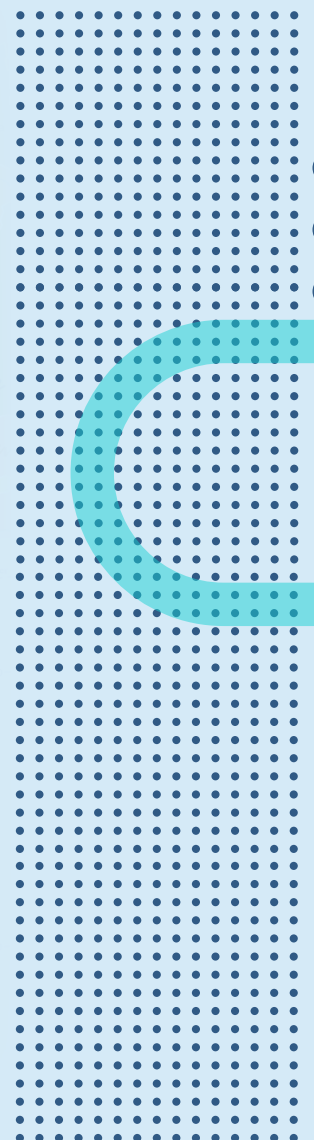
تحولات آینده منطقه خاورمیانه

سناریوهای محتمل

۲ سلسله گزارش‌های سیاسی

مرکز پژوهش‌های اقتصادی اتاق بازرگانی یزد

زمستان ۱۴۰۳





مرکز پژوهش‌های اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی یزد

عنوان گزارش:

تحولات آینده منطقه خاورمیانه

سناریوهای محتمل

تهیه و تدوین:

مرکز پژوهش‌های اقتصادی اتاق بازرگانی یزد

ناظر گزارش

شعیب بهمن

(تحلیل‌گر روابط بین‌الملل)

نوع گزارش:

- مروری
- سیاستی
- راهبردی
- حقوقی

واژگان کلیدی:

خاورمیانه - روابط بین‌الملل

زمستان ۱۴۰۳

پیشگفتار

خاورمیانه به عنوان یکی از پیچیده‌ترین و پرتنش‌ترین مناطق جهان، همواره تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی متعدد قرار داشته است. این منطقه با تاریخچه‌ای غنی و متنوع، همواره صحنه تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و نظامی بوده است. به همین دلیل، خاورمیانه به عنوان یکی از پرچالش‌ترین و پیچیده‌ترین مناطق جهان شناخته می‌شود. در حالی که این منطقه به تازگی، جنگی ویرانگر را با خسارت‌های انسانی قابل توجه پشت سر گذاشته است، هنوز به آرامش دست نیافته و همچنان مستعد درگیری‌های جدیدی است. زیرا عوامل متعددی که به ایجاد تنش‌ها و درگیری‌ها در این منطقه دامن می‌زنند، همچنان وجود دارند و به سادگی از بین نرفته‌اند.

سقوط دولت بشار اسد در سوریه نیز به تحولات عمده‌ای در صورت‌بندی بازیگران و رقابت‌های منطقه‌ای منجر شده است. با تغییر قدرت در سوریه، بازیگران جدیدی به میدان آمده‌اند و رقابت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای شدت یافته است. این وضعیت، نه تنها بر تنش‌های داخلی سوریه تأثیر گذاشته، بلکه به آشفتگی‌های جدیدی در کشورهای همسایه مانند لبنان، عراق و ترکیه نیز افزوده است.

علاوه بر این، انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده، گمانه‌زنی‌های زیادی درباره رویکردهای آینده آمریکا، به ویژه در قبال ایران و اسرائیل، به وجود آورده است. ترامپ با عباراتی جسورانه و تحرکات سیاسی خود، به تغییر معادلات قدرت در منطقه می‌اندیشد، اما همزمان نگرانی‌های زیادی را در مورد پیامدهای سیاست‌های خود در این نقطه حساس جهان برانگیخته است.

با توجه به وضعیت فعلی، چشم‌انداز آینده منطقه خاورمیانه در حاله‌ای از ابهام فرو رفته است. در شرایطی که تنش‌ها و درگیری‌ها همچنان ادامه دارند، کنکاش در سناریوهای ممکن برای آینده این منطقه از اهمیت بالایی برخوردار است. به ویژه ضروری است که نهادهای اقتصادی به تجزیه و تحلیل دقیق‌تر عوامل تأثیرگذار پرداخته و راهکارهایی مؤثر برای حداکثر کردن سود و منفعت خود در شرایط متلاطم پیش‌رو اتخاذ نمایند.

بدین ترتیب، در گزارش پیش‌رو سعی شده است تا ضمن بررسی عوامل مؤثر بر آینده منطقه، سناریوهای مرتبط با هر یک از آنها ترسیم گردد. در ادامه، به چشم‌انداز آینده منطقه که بیانگر سناریوی اصلی در مورد آینده است، پرداخته خواهد شد و در نهایت نیز موقعیت ایران در قبال تحولات منطقه با رویکردی آینده‌نگرانه مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. در پایان، ضمن نتیجه‌گیری، به ارائه توصیه‌های کلیدی برای بخش خصوصی پرداخته خواهد شد.



عوامل موثر بر آینده منطقه

تحولات آینده این منطقه به عوامل متعددی بستگی دارد که سه عامل کلیدی آن شامل میزان پایداری آتش‌بس بین اسرائیل، غزه و لبنان، سیاست خارجی دونالد ترامپ در قبال خاورمیانه و رقابت‌های موجود میان قدرت‌های برتر منطقه است. بررسی این عوامل و سناریوهای مختلفی که می‌توانند از آنها نشئت بگیرند، حائز اهمیت است.

۱. میزان پایداری آتش‌بس بین اسرائیل، غزه و لبنان

آتش‌بس میان اسرائیل و گروه‌های فلسطینی در غزه و همچنین حزب‌الله در لبنان یکی از عوامل تعیین‌کننده در ثبات یا بی‌ثباتی منطقه است. اگر این آتش‌بس پایدار بماند، می‌توان انتظار داشت که تنش‌ها کاهش یابد و زمینه برای گفت‌وگوهای صلح به خصوص پیشبرد طرح عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی همچون عربستان سعودی فراهم شود. در این خصوص چند سناریو قابل تصور است:

سناریوی اول: صلح شکننده و تنش‌های دوره‌ای

در این سناریو، آتش‌بس به طور کلی حفظ می‌شود اما درگیری‌های پراکنده و تنش‌های مرزی به طور دوره‌ای رخ می‌دهند. این وضعیت، منطقه را در حالت ناپایدار نگه می‌دارد و احتمال وقوع جنگ بزرگ را همواره زنده نگه می‌دارد.

سناریوی دوم: آتش‌بس پایدار

در این سناریو، آتش‌بس میان اسرائیل و گروه‌های مقاومت در غزه و لبنان پایدار می‌ماند و طرفین به توافقات جدیدی دست می‌یابند که منجر به کاهش خشونت‌ها و بهبود شرایط انسانی در غزه و لبنان می‌شود. این وضعیت می‌تواند به افزایش همکاری‌های اقتصادی و اجتماعی میان اسرائیل و کشورهای همسایه منجر شود. در این حالت، کشورهای منطقه ممکن است به سمت حل و فصل مسائل از طریق گفت‌وگو و دیپلماسی حرکت کنند.

سناریوی سوم: شکست آتش‌بس و تشدید درگیری‌ها

در سناریوی بدبینانه‌تر، عدم پایداری به توافقات و تشدید تنش‌ها می‌تواند به جنگ‌های جدیدی منجر شود. در این حالت، آتش‌بس ممکن است به دلیل تحریکات سیاسی یا نظامی از هم بپاشد. این امر می‌تواند به تشدید درگیری‌ها، افزایش تلفات غیرنظامی و گسترش ناآرامی‌ها به سایر کشورهای منطقه منجر شود. این وضعیت می‌تواند نه تنها بر روی مردم منطقه تأثیر منفی بگذارد بلکه بر روی امنیت جهانی نیز اثرگذار باشد. زیرا در این حالت، احتمال مداخله قدرت‌های خارجی نیز افزایش می‌یابد.

عوامل موثر بر آینده منطقه

۲. سیاست خارجی دونالد ترامپ در قبال خاورمیانه

سیاست خارجی دونالد ترامپ، به ویژه در قبال خاورمیانه، یکی از عوامل تأثیرگذار بر تحولات آینده این منطقه است. تغییرات در رویکرد آمریکا نسبت به اسرائیل، عربستان سعودی و ایران می‌تواند به شکل‌گیری سناریوهای مختلف منجر شود. همچنین رویکرد او به مسائلی مانند توافق هسته‌ای ایران، بحران سوریه و روابط با عربستان سعودی می‌تواند سناریوهای مختلفی را رقم بزند. در این خصوص چند سناریو قابل تصور است:

سناریوی اول: تشدید فشار بر ایران و حمایت قاطع از اسرائیل

در این سناریو، با بازگشت ترامپ، احتمال افزایش حمایت‌های آمریکا از اسرائیل و بی‌توجهی به حقوق فلسطینیان وجود دارد. این امر می‌تواند منجر به افزایش تنش‌ها و درگیری‌ها در منطقه شود. همچنین ممکن است ترامپ به دنبال خروج از توافق هسته‌ای با ایران و اتخاذ سیاست‌های خصمانه‌تر در قبال این کشور باشد. تشدید تحریم‌ها و فشار بر تهران می‌تواند به تشدید تنش‌ها میان ایران و ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن‌ها منجر شود. همچنین اگر ترامپ به حمایت قاطع از اسرائیل ادامه دهد، این امر می‌تواند باعث تشدید تنش‌ها با کشورهای عربی و ایران شود. در این صورت، احتمال بروز تنش‌های نظامی محدود یا گسترده و حتی جنگ‌های نیابتی افزایش می‌یابد.

سناریوی دوم: تغییر رویکرد به سمت دیپلماسی و کاهش تنش‌ها

در سناریوی خوش‌بینانه‌تر، ترامپ ممکن است به سمت بازگشت به مذاکرات با ایران حرکت کند. این امر می‌تواند به کاهش تنش‌ها، بهبود روابط دیپلماتیک و افزایش همکاری‌های منطقه‌ای منجر شود. در این حالت، احتمال حل و فصل مسائل از طریق دیپلماسی افزایش می‌یابد. در واقع در صورتی که ترامپ به سمت دیپلماسی حرکت کند و تلاش کند تا روابط را با کشورهای عربی و ایران بهبود بخشد، امکان کاهش تنش‌ها و ایجاد ثبات بیشتر در منطقه وجود خواهد داشت.

سناریوی سوم: بی‌اعتنایی و کاهش نقش آمریکا

ترامپ ممکن است رویکردی انزواگرایانه‌تر در پیش بگیرد و نقش آمریکا در خاورمیانه را کاهش دهد. این امر می‌تواند باعث ایجاد خلأ قدرت و افزایش رقابت میان بازیگران منطقه‌ای شود.

عوامل موثر بر آینده منطقه

۳. رقابت‌های موجود میان قدرت‌های برتر منطقه

رقابت‌های میان قدرت‌های برتر مانند ایران، عربستان سعودی و ترکیه نیز نقش مهمی در تحولات خاورمیانه ایفا می‌کند. این رقابت‌ها می‌تواند به شکل‌گیری ائتلاف‌های جدید یا تشدید تنش‌ها منجر شود. در این خصوص چند سناریو قابل تصور است:

سناریوی اول: ادامه رقابت‌ها و تشدید تنش‌ها

در این سناریو، رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای ادامه می‌یابد و جنگ‌های نیابتی در کشورهایمانند سوریه، یمن و عراق همچنان ادامه خواهد یافت. در این سناریو رقابت‌های ایدئولوژیک - نظامی یکبار دیگر افزایش می‌یابند. به نحوی که احتمالاً رقابت ایران و عربستان در یمن، سوریه، و عراق تشدید می‌شود. ترکیه نیز با مداخله در لیبی و قفقاز، و اسرائیل با تمرکز بر تضعیف ایران، به تشدید رقابت‌ها دامن می‌زنند. این وضعیت، خاورمیانه را به میدان آزمایش سلاح‌ها و جنگ‌های نیابتی تبدیل می‌کند.

در این بین حمله نظامی اسرائیل به تاسیسات هسته‌ای ایران یکی از رویدادهایی است که می‌تواند به درگیری‌های گسترده اما کنترل شده منجر شود. در این حالت، نقش قدرت‌های فرمانطقه‌ای مانند روسیه و چین برای مدیریت بحران حیاتی خواهد بود. قاعدتاً اگر رقابت‌ها شدت گیرد و هر یک از قدرت‌ها بخواهند نفوذ خود را افزایش دهند، منطقه به سمت بی‌ثباتی بیشتری حرکت خواهد کرد. بنابراین در این سناریو، رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای به تشدید تنش‌ها و درگیری‌های نیابتی منجر می‌شود. این امر می‌تواند به گسترش ناآرامی‌ها در کشورهایمانند یمن، سوریه و لبنان منجر شود. در این حالت، احتمال مداخله قدرت‌های خارجی نیز افزایش می‌یابد که این وضعیت می‌تواند به جنگ‌های نیابتی و بحران‌های انسانی منجر شود.

سناریوی دوم: ائتلاف‌های جدید و افزایش همکاری‌ها

در سناریوی خوش‌بینانه، با تغییر موازنه قدرت در منطقه، ممکن است ائتلاف‌های جدیدی میان قدرت‌های منطقه‌ای شکل گیرد. در واقع قدرت‌های منطقه‌ای ممکن است به سمت کاهش رقابت‌ها و افزایش همکاری‌ها حرکت کنند. این ائتلاف‌ها می‌توانند بر اساس منافع مشترک و برای مقابله با تهدیدات مشترک شکل بگیرند. این امر می‌تواند به کاهش تنش‌ها، بهبود شرایط اقتصادی و افزایش ثبات منطقه‌ای منجر شود. در این حالت، همکاری در زمینه‌های اقتصادی، امنیتی و فرهنگی می‌تواند از شدت تنش‌ها بکاهد و احتمال حل و فصل مسائل از طریق دیپلماسی افزایش می‌یابد.

سناریوی سوم: تلاش برای کاهش تنش و همکاری

با وجود رقابت‌های موجود، احتمال تلاش برخی از قدرت‌های منطقه‌ای برای کاهش تنش و همکاری در زمینه‌های مشترک نیز وجود دارد. این امر می‌تواند به ایجاد ثبات نسبی در منطقه کمک کند.



عوامل کلیدی تحولات آینده منطقه و سناریوهای محتمل

۱. میزان پایداری آتش بس بین اسرائیل، غزه و لبنان

آتش بس میان اسرائیل و گروه‌های فلسطینی در غزه و حزب‌الله لبنان یکی از عوامل تعیین کننده در ثبات یا بی ثباتی منطقه است.

سناریوهای میزان پایداری آتش بس بین اسرائیل، غزه و لبنان

سناریوی اول: صلح شکننده و تنش های دوره‌ای	آتش بس حفظ می شود اما درگیری های پراکنده و تنش های مرزی به طور دوره‌ای رخ می دهند.
سناریوی دوم: آتش بس پایدار	آتش بس پایدار می ماند و طرفین به توافقات جدیدی دست می یابند که منجر به کاهش خشونت ها و بهبود شرایط انسانی می شود.
سناریوی سوم: شکست آتش بس و تشدید درگیری ها	عدم پایبندی به توافقات می تواند به جنگ های جدیدی منجر شود و احتمال مداخله قدرت های خارجی افزایش یابد.

۲. سیاست خارجی دونالد ترامپ در قبال خاورمیانه

تغییرات در رویکرد آمریکا نسبت به اسرائیل، عربستان سعودی و ایران می تواند به شکل گیری سناریوهای مختلف منجر شود.

سناریوهای سیاست خارجی دونالد ترامپ در قبال خاورمیانه

سناریوی اول: تشدید فشار بر ایران و حمایت قاطع از اسرائیل	احتمال افزایش حمایت های آمریکا از اسرائیل و بی توجهی به حقوق فلسطینیان وجود دارد.
سناریوی دوم: تغییر رویکرد به سمت دیپلماسی و کاهش تنش ها	ترامپ ممکن است به سمت بازگشت به مذاکرات با ایران حرکت کند که می تواند به کاهش تنش ها منجر شود.
سناریوی سوم: بی اعتنایی و کاهش نقش آمریکا	ممکن است ترامپ رویکردی انزواگرایانه تر اتخاذ کند که باعث ایجاد خلاء قدرت شود.

۳. رقابت های موجود میان قدرت های برتر منطقه

رقابت میان قدرت های برتر مانند ایران، عربستان سعودی و ترکیه نقش مهمی در تحولات خاورمیانه ایفا می کند.

سناریوهای رقابت های موجود میان قدرت های برتر منطقه

سناریوی اول: ادامه رقابت ها و تشدید تنش ها	رقابت میان قدرت های منطقه ای ادامه می یابد و جنگ های نیابتی در کشورهایی مانند سوریه، یمن و عراق همچنان ادامه خواهد یافت.
سناریوی دوم: ائتلاف های جدید و افزایش همکاری ها	ممکن است ائتلاف های جدیدی میان قدرت های منطقه ای شکل گیرد که به کاهش تنش ها منجر شود.
سناریوی سوم: تلاش برای کاهش تنش و همکاری	برخی از قدرت های منطقه ای ممکن است برای کاهش تنش تلاش کنند که می تواند به ایجاد ثبات نسبی کمک کند.

جدول ۱: خلاصه عوامل و سناریوهای آینده منطقه



چشم انداز آینده منطقه

از در هم کنش همه عوامل و سناریوهای محتمل درباره آینده منطقه که در بخش پیشین توضیح داده شدند، می‌توان چشم‌انداز واقع‌بینانه از آینده خاورمیانه را ترسیم کرد. با فرض تداوم آتش‌بس شکننده میان اسرائیل و گروه‌های مقاومت، گسترش توافقات ابراهیم به کشورهای بیشتری مانند عربستان سعودی، و حفظ حضور فعال ایالات متحده، خاورمیانه ممکن است به سمت یک نظم «دو وجهی» حرکت کند. در این سناریو، تحولات زیر محتمل است:

۱. آتش‌بس شکننده و گسترش توافقات ابراهیم

در حالی که آتش‌بس میان اسرائیل و گروه‌های مقاومت به صورت شکننده برقرار است، توافقات ابراهیم به تدریج گسترش می‌یابد. این توافقات که هدف آن‌ها ایجاد روابط نزدیک‌تر بین کشورهای عربی و اسرائیل است، منجر به افزایش همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی میان طرفین می‌شود. با این حال، این روند تنها در میان برخی کشورها (مانند عربستان سعودی، اندونزی یا عمان) اتفاق می‌افتد و کشورهای دیگر که درگیر درگیری‌های داخلی و خارجی هستند، از این امر بی‌بهره می‌مانند.

۲. حضور قوی ایالات متحده

ایالات متحده با حفظ حضور قوی خود در منطقه، تلاش می‌کند تا از بروز درگیری‌های عمده جلوگیری کند. این حضور نظامی و دیپلماتیک به نوعی ثبات نسبی را در برخی نقاط خاورمیانه ایجاد کرده است. با این حال، مشکلات بنیادین مانند نابرابری‌های اقتصادی، تنش‌های مذهبی و اختلافات سیاسی همچنان پابرجاست و بدون حل این مسائل، نمی‌توان به یک صلح پایدار دست یافت.

۳. رقابت‌های منطقه‌ای و دیپلماسی

رقابت‌های منطقه‌ای میان کشورها ادامه دارد، اما این رقابت‌ها به طور فزاینده‌ای از طریق دیپلماسی و وابستگی‌های اقتصادی مدیریت می‌شود. کشورهایی که به دنبال توسعه اقتصادی و همکاری‌های تجاری هستند، سعی می‌کنند تا از تنش‌ها کاسته و روابط خود را با یکدیگر تقویت کنند. این رویکرد می‌تواند به کاهش تنش‌ها در کوتاه‌مدت کمک کند، اما ممکن است در بلندمدت به حل مشکلات بنیادی منجر نشود.

۴. ظهور خاورمیانه "دو وجهی"

به احتمال زیاد آینده منطقه به شکل یک خاورمیانه "دو وجهی" ترسیم خواهد شد:

وجه اول: جزایر ثبات و رونق

کشورهایی مانند امارات متحده عربی، اسرائیل و عربستان سعودی با جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، توسعه پروژه‌های کلان (مانند نئوم یا مسیرهای ترانزیتی هند-اروپا) و عادی‌سازی روابط با اسرائیل، به قطب‌های اقتصادی تبدیل می‌شوند. این کشورها با تمرکز بر فناوری‌های نوین (هوش مصنوعی و انرژی‌های پاک) و تقویت پیوندهای امنیتی با ناتو، از درگیری‌های نظامی دوری می‌کنند. این کشورها می‌توانند به قطب‌های اقتصادی تبدیل شوند که از مزایای سرمایه‌گذاری و تجارت بهره‌مند می‌شوند.

وجه دوم: حلقه‌های بحران

کشورهای ضعیف‌تر یا جنگ‌زده مانند یمن، سوریه، عراق و لبنان به دلیل ناتوانی در جذب سرمایه‌گذاری یا حل اختلافات داخلی، در چرخه فقر، خشونت و مداخلات خارجی گرفتار می‌مانند. این کشورها به دلیل نبود ثبات سیاسی و اقتصادی، قادر به بهره‌برداری از فرصت‌های موجود نخواهند بود. همچنین این کشورها به «پناهگاه‌های ناامنی» تبدیل می‌شوند که گروه‌های شبه‌نظامی (مانند داعش) در آنها فعال‌اند و بحران‌های انسانی (گرسنگی و آوارگی) تشدید می‌شود.

به این ترتیب شکاف عمیقی بین کشورهای موفق و ناکام ایجاد خواهد شد. خاورمیانه "دو وجهی" نشان‌دهنده چالش‌های بزرگ پیش روی این منطقه است. در حالی که برخی کشورها ممکن است از ثبات و رونق اقتصادی بهره‌مند شوند، دیگر کشورها به دلیل درگیری‌ها و بحران‌ها همچنان در وضعیت ناگواری قرار خواهند داشت.

توضیحات	تحولات محتمل
آتش‌بس میان اسرائیل و گروه‌های مقاومت به صورت شکننده برقرار است و توافقات ابراهیم به تدریج گسترش می‌یابد. این توافقات منجر به افزایش همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی میان برخی کشورهای عربی و اسرائیل می‌شود، اما کشورهای دیگر که درگیر درگیری‌های داخلی هستند، از این روند بی‌بهره می‌مانند.	آتش‌بس شکننده و گسترش توافقات ابراهیم
ایالات متحده با حفظ حضور قوی خود در منطقه، تلاش می‌کند تا از بروز درگیری‌های عمده جلوگیری کند. این حضور می‌تواند ثبات نسبی را در برخی نقاط خاورمیانه ایجاد کند، اما مشکلات بنیادین مانند نابرابری‌های اقتصادی و تنش‌های مذهبی همچنان باقی خواهد ماند.	حضور قوی ایالات متحده
رقابت‌های منطقه‌ای ادامه دارد، اما به طور فزاینده‌ای از طریق دیپلماسی و وابستگی‌های اقتصادی مدیریت می‌شود. کشورهایی که به دنبال توسعه اقتصادی هستند، سعی می‌کنند روابط خود را تقویت کرده و از تنش‌ها کاسته شود.	رقابت‌های منطقه‌ای و دیپلماسی
وجه اول: جزایر ثبات و رونق کشورهایی مانند امارات متحده عربی، اسرائیل و عربستان سعودی با جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و توسعه پروژه‌های کلان به قطب‌های اقتصادی تبدیل می‌شوند. این کشورها بر فناوری‌های نوین تمرکز کرده و از درگیری‌های نظامی دوری می‌کنند.	ظهور خاورمیانه "دو وجهی"
وجه دوم: حلقه‌های بحران کشورهایی مانند امارات متحده عربی، اسرائیل و عربستان سعودی با جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و توسعه پروژه‌های کلان به قطب‌های اقتصادی تبدیل می‌شوند. این کشورها بر فناوری‌های نوین تمرکز کرده و از درگیری‌های نظامی دوری می‌کنند.	



ایران و آینده منطقه

وضعیت‌سنجی ایران در خاورمیانه "دو وجهی" از جنبه‌های مختلف حائز اهمیت است. در مورد تحولات منطقه، اگر آتش‌بس در منطقه ادامه یابد، ممکن است توافقات ابراهیم به تکامل خود ادامه دهد و احتمالاً منجر به تلاش‌های بیشتر برای عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و بازیگران بزرگ عربی مانند عربستان سعودی شود که به هیچ وجه مطلوب ایران نیست. در عین حال تداوم درگیری در منطقه نیز نمی‌تواند در شرایط فعلی برای ایران مطلوبیت راهبردی خلق کند. به خصوص که ایران در فضای پس از عملیات طوفان الاقصی دچار چالش‌های جدی همچون ترور برخی از مهمترین رهبران سیاسی و فرماندهان نظامی مقاومت شد و در عین حال خود نیز درگیر زد و خورد نظامی با اسرائیل شد. در چنین شرایطی، بهترین گزینه برای ایران، در تعلیق نگه داشتن شرایط و شکننده باقی ماندن آتش‌بس است تا نه اسرائیل و آمریکا احساس امنیت پایدار کنند و نه کشورهای عربی به سمت عادی‌سازی با رژیم صهیونی حرکت نمایند. البته حرکت در این لبه تیغ نیز می‌تواند مضرات و زیان‌های قابل ملاحظه‌ای داشته باشد و ایران را به عنوان کشوری مخمل و معارض با آرامش و ثبات در منطقه معرفی کند.

در این بین رقابت میان ایران، عربستان سعودی و ترکیه همچنان عامل حیاتی شکل‌دهنده به ژئوپلیتیک خاورمیانه است. اگر علاقه عربستان سعودی به عدم تشدید تنش در منطقه ادامه پیدا کند، می‌توان آینده روابط این کشور با ایران را در الگویی ترسیم کرد که با کاهش خصومت‌ها و افزایش همکاری‌های درون منطقه‌ای در برابر چالش‌های مشترک، مانند افراط‌گرایی گسترده و ناپایداری اقتصادی مشخص شود. با این حال اگر عربستان تحت فشار آمریکا یا عوامل ایدئولوژیک و رقابت‌های ژئوپلیتیک، استراتژی‌های تهاجمی علیه ایران اتخاذ کند، آنگاه وضعیت ثبات نسبی در روابط دو کشور شکننده خواهد شد.

نکته قابل تامل در این بین، رقابت‌های ترکیه با ایران است که بر دو محیط امنیتی و ژئوپلیتیکی خاورمیانه و قفقاز تأثیر مستقیم می‌گذارد. موفقیت ترکیه در سقوط دولت اسد در سوریه و همچنین نقش آفرینی این کشور در قفقاز می‌تواند بیش از هر زمانی تهران و آنکارا را رو در روی یکدیگر قرار دهد. البته در گذشته دو کشور تلاش کرده‌اند رقابت‌های منطقه‌ای تأثیری در روابط دوجانبه نداشته باشد اما این قاعده الزاماً در آینده تداوم نخواهد یافت. چنین امری می‌تواند جدا از عواقب امنیتی و ژئوپلیتیکی بر مسیرهای ترانزیتی ایران به سوی اروپا تأثیر قابل توجهی بگذارد.

در نهایت بازگشت دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا قطعاً تأثیر قابل توجهی بر سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا خواهد داشت. تمایل تاریخی او به اتخاذ موضع سختگیرانه علیه ایران ممکن است چند پیامد مشخص داشته باشد:

۱. تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه ایران؛
۲. تقویت اتحاد آمریکا با کشورهای نگران از نفوذ ایران؛
۳. افزایش فشار بر جریان مقاومت - به عنوان متحدان ایران - در کشورهای مختلف؛
۴. استفاده از اهرم‌های مختلف جهت جلوگیری از دستیابی احتمالی ایران به تسلیحات هسته‌ای؛

با وجود تمایل دولت پزشکیان برای انجام مذاکرات مستقیم با آمریکا، با این حال همچنان محتمل‌ترین سناریو "عدم مذاکره، عدم جنگ" است. این سناریو در روابط ایران و ایالات متحده، موضع دیپلماتیک پیچیده‌ای را نشان می‌دهد که با بی‌اعتمادی متقابل، رویکردهای تهاجمی و امتناع از ورود به گفت‌وگو یا درگیری نظامی به‌طور همزمان تعریف می‌شود. در هسته این سناریو، موضع استراتژیک ایران به‌ویژه رهبر معظم انقلاب اسلامی قرار دارد که تأکید می‌کند ایران نه تنها با ایالات متحده به عنوان دشمن خود مستقیماً مذاکره نخواهد کرد، بلکه از آغاز جنگ نیز خودداری خواهد کرد. ایران با قاطعیت هرگونه تسلیم در برابر فشارهای خارجی را رد کرده و موضع خود را علیه ایالات متحده و سیاست‌های آن حفظ می‌کند. این رویکرد عمیقاً ریشه در تجربیات تاریخی و محاسبات ژئوپولیتیکی معاصر ایران دارد که به‌طور قابل توجهی تعاملات آن با ایالات متحده را شکل می‌دهد.

در مجموع سناریوی "عدم مذاکره، عدم جنگ" به عنوان معیاری برای ماهیت ناپایدار و پیچیده روابط ایران و ایالات متحده عمل می‌کند. این سناریو زمینه‌های تاریخی، ایدئولوژیک و ژئوپولیتیکی را که تعاملات بین دو کشور را تعریف می‌کند، برجسته می‌سازد و تعادل ظریف میان نمایش‌های تهاجمی و انزوای دیپلماتیک را نشان می‌دهد. با ادامه تأثیر عوامل مختلف از جمله تاکتیک‌های نظامی و سیاست داخلی تا ائتلاف‌های منطقه‌ای، احتمال وقوع چنین سناریویی در آینده همچنان قوی است.

توضیحات	تحولات محتمل
اگر آتش‌بس در منطقه ادامه یابد، ممکن است توافقات ابراهیم به تکامل خود ادامه دهد و روابط بین اسرائیل و کشورهای عربی مانند عربستان سعودی عادی‌سازی شود که این امر برای ایران مطلوب نیست.	۱. آتش‌بس شکننده و توافقات ابراهیم
ایران با چالش‌های جدی از جمله ترور رهبران سیاسی و نظامی مقاومت و درگیری‌های نظامی با اسرائیل مواجه است. در این شرایط، بهترین گزینه برای ایران حفظ وضعیت شکننده آتش‌بس است تا از عادی‌سازی روابط جلوگیری کند.	۲. چالش‌های پس از عملیات طوفان الاقصی
اگر عربستان سعودی تمایل به عدم تشدید تنش داشته باشد، ممکن است روابط دو کشور با کاهش خصومت‌ها و افزایش همکاری‌ها شکل گیرد. اما فشارهای خارجی می‌تواند به رویکرد تهاجمی عربستان علیه ایران منجر شود که وضعیت را شکننده می‌کند.	۳. رقابت با عربستان سعودی
رقابت ترکیه با ایران بر امنیت و ژئوپولیتیک خاورمیانه تأثیر دارد. موفقیت ترکیه در سوریه و قفقاز می‌تواند تنش‌ها را افزایش دهد و بر مسیرهای ترانزیتی ایران تأثیر بگذارد.	۴. رقابت با ترکیه
بازگشت ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا داشته باشد، از جمله تشدید تحریم‌ها علیه ایران و افزایش فشار بر جریان مقاومت.	۵. بازگشت دونالد ترامپ
این سناریو نشان‌دهنده پیچیدگی روابط ایران و ایالات متحده است که با بی‌اعتمادی متقابل و امتناع از ورود به گفت‌وگو یا درگیری نظامی تعریف می‌شود. رهبر انقلاب بر عدم مذاکره مستقیم با آمریکا تأکید دارد و هرگونه تسلیم در برابر فشارهای خارجی را رد می‌کند.	۶. سناریوی عدم مذاکره، عدم جنگ

نتیجه‌گیری

آینده خاورمیانه در گرو تعامل پیچیده عوامل داخلی و خارجی است. از این رو سناریوهای پیش رو طیف وسیعی از احتمالات مختلف را از ثبات تا فروپاشی درباره آینده منطقه نشان می‌دهند. بر این اساس منطقه همچنان در برابر شوک‌های سیاسی و امنیتی آسیب‌پذیر خواهد بود. بر این اساس تحولات آینده خاورمیانه به شدت تحت تأثیر سه عامل کلیدی قرار دارد:

۱. میزان پایداری آتش بس بین اسرائیل، غزه و لبنان و همچنین احتمال پیشبرد توافق ابراهیم جهت عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای اسلامی و عرب منطقه
۲. سیاست خارجی دونالد ترامپ در قبال خاورمیانه به خصوص ایران و اسرائیل
۳. رقابت‌های موجود میان قدرت‌های برتر منطقه همچون ایران، ترکیه و عربستان سعودی

هر یک از این عوامل می‌توانند سناریوهای متفاوتی را رقم بزنند که بر روی ثبات و امنیت منطقه تأثیرگذار خواهند بود. بنابراین، پیگیری تحولات مرتبط با این سه عامل برای تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران امری ضروری است تا بتوانند بهترین راهکارها را برای رسیدن به صلح و ثبات در این منطقه طراحی کنند.

در این بین باید توجه داشت که آینده خاورمیانه بیش از هر چیز به تعامل میان ثبات امنیتی، جهت‌گیری‌های واشنگتن و توازن قوای منطقه‌ای وابسته است. در حالی که سناریوهای بدبینانه حاکی از تشدید خشونت‌ها هستند، فرصت‌هایی نیز برای همکاری‌های اقتصادی و امنیتی وجود دارد. با این حال، تحقق ثبات پایدار نیازمند خروج از چرخه تنش‌زدایی‌های مقطعی و پرداختن به ریشه‌های بحران‌هاست. در نتیجه، آینده خاورمیانه ترکیبی از همکاری و درگیری خواهد بود که هم می‌تواند به ثبات و هم تشدید تنش‌ها منتهی شود. سرنوشت منطقه به توانایی بازیگران محلی و بین‌المللی در مدیریت منافع متضاد و رسیدگی به نارضایتی‌های طولانی‌مدت بستگی خواهد داشت.

توصیه‌های کلیدی

با توجه به نقش بارز بخش خصوصی به عنوان یکی از بازوان توسعه اقتصادی استان یزد، پیشنهاد می‌شود موارد زیر به عنوان توصیه‌هایی درباره آینده تعاملات تجاری مدنظر قرار گیرد:

۱. توسعه روابط با اتحادیه اقتصادی اوراسیا: با توجه به احتمال تشدید تحریم‌ها و دشواری در معاملات اقتصادی با کشورهای اروپایی و حتی کشورهای خلیج فارس، پیشنهاد می‌شود که روابط تجاری بخش خصوصی با اتحادیه اقتصادی اوراسیا گسترش یابد. موافقت‌نامه‌های موجود میان طرفین در خصوص کاهش یا لغو تعرفه‌ها در تجارت با کشورهای اوراسیا می‌تواند مزیتی قابل‌تأمل برای بخش خصوصی به حساب آید.

۲. تمرکز بر صادرات کالا و خدمات: با توجه به محدودیت‌های ارزی که موجب افزایش قیمت دلار و تداوم آن در آینده خواهد شد، تمرکز بر صادرات کالا و خدمات می‌تواند سودآوری بیشتری نسبت به واردات داشته باشد. علاوه بر همکاری‌های تجاری در قالب صادرات و واردات انواع کالاها، بر صادرات خدمات فنی و مهندسی نیز تأکید شود، زیرا این نوع خدمات کمتر در معرض تحریم قرار می‌گیرند.

۳. توجه به نحوه قراردادهای تجاری: با توجه به احتمال افزایش فشارهای تحریمی بر شرکا و طرف‌های خارجی ایران، پیشنهاد می‌شود در قراردادهای تجاری آتی، دو نکته مورد توجه قرار گیرد:

الف) قراردادهای تجاری در بازه‌های زمانی بلندمدت‌تری منعقد شوند تا فشارهای تحریمی بر شرکا و طرف‌های خارجی موجب نقض توافق‌ها نشود و پس از اتمام همکاری‌های کوتاه‌مدت، تمایل آنها به تمدید همکاری‌ها تحت تأثیر تحریم‌ها قرار نگیرد.

ب) بندهای مربوط به فسخ قرارداد به گونه‌ای تنظیم شود که تجار ایرانی متضرر نشوند و در عین حال، در صورت نقض قرارداد توسط طرف‌های دیگر، از حق دریافت خسارت بهره‌مند شوند.

۴. اولویت بخشی به توسعه روابط با همسایگان: با توجه به اثرگذاری کمتری که تحریم‌ها بر مراودات اقتصادی با همسایگان دارند (به دلیل وجود مرزهای مشترک و امکان دور زدن تحریم‌ها)، پیشنهاد می‌شود بخش خصوصی بر توسعه روابط تجاری با کشورهای نظیر عراق، افغانستان و پاکستان تمرکز ویژه‌ای داشته باشد.